



۲۰۱۷/۰۶/۰۶



عارف عباسی

قالین سرخ و بلیون ها دالر پیش پای

Donald Trump

مهمان نوازی پادشاه سعودی (کنفرانس ریاض)

همکار محترم ما، ژورنالیست ورزیده، مجرب و خبره، آقای جلیل غنی هروی اثری پرمحتوایی آفرید تحت عنوان «کمرنگی جایگاه افغانستان در کنفرانس ریاض» که به تاریخ ۲۵ ماه می ۲۰۱۷ در سایت وزین، ملی، صلح و خرد آریانا افغانستان آنلاین به نشر رسید.

این مضمون عالی انگیزه قلم فرسایی من گردیده مرا واداشت تا انبوه مطالبی که در دل و دماغ انبار شده بود به روی صفحه برکشم و خاطر من را آسوده سازم. با عرض امتنان از غنی هروی صاحب از چنین زمینه سازی.

ایشان فرمودند که جایگاه افغانستان در کنفرانس ریاض کم رنگ بود و دلایل منطقی آن را پیشکش نمودند، به باور من اصلاً در این کنفرانس اسلام رنگ باخت، حیثیت، عزت، وقار و عظمتش توسط پادشاه عربستان سعودی مورد معامله قرار گرفت. این کنفرانس را کنفرانس اسلام و امریکا نامیدن اشتباه بزرگ بوده در واقعیت ایجاد یک اتحادیه مطابق خواست امریکا و عربستان سعودی بر علیه ایران بود تحت پوشش مبارزه با دهشت افگنی. در دهشت افگنی و جنگ های نیابتی حقایق بیشماری داخل است که ایران تنها نبوده عربستان در آن سهم فعال، آشکار و مستقیم دارد. ایران و همدستانش و سعودی و هم پیمانانش سوریه به تباهی و نابودی نکشانند.

این مسافرت فرصتی بود که عالم اسلام از آن توقعات عقلانی، مجاز و قانونی داشتند که پادشاه سعودی باید به مهمانش Donald Trump می فهماند که این بهترین و مناسب ترین فرصت است که پیام صلح و آشتی را به اسلام داده در این مجمع به نحوی در پی اصلاح خطا بینی ها، غلط اندیشی ها و اظهارات متخاصمانه و ستیز بر انگیزش در برابر اسلام برآید.

گرچه بیانات ترمپ چه در دوران مبارزات انتخاباتی و چه ریاست جمهوری فاقد ارزش علمی و خرد سیاسی و مبین پائین بودن سطح دانش و بیگانگی اش با دیپلوماسی و برای استثمار احساسات و بهره برداری سیاسی بوده ولی به وضاحت اسلام و مسلمانان را اهانت، تحقیر و توهین نمود. و در این کنفرانس اگر اراده می بود مناسب ترین موقع

برای ارائه یک طرز دید اصلاح شده و متغیر با نوعی معذرت خواهی دیپلماتیک از طرف ترمپ می بود. زن ترمپ خلاف عرف مملکت میزبان سرش را نپوشید ولی در حضور پاپ فرانسیس چادری به سر و رخ کشید.

قبل از ورود Donald Trump به ریاض اعلام گردید که وی در مورد اسلام بیانیه می دهد و توقع می رفت که وی با یک پیام قوی سیاسی اعتماد از هم گسسته اسلام را دوباره وصله بزند، اگر معذرت نخواست بود در گفته هایش را با تذکراتی از دین اسلام، اصول و ارزش های صلح خواهی اسلام، و ترجمه چند آیت قرآن، نقش اسلام در بیداری فرهنگی و علمی و تمدن اروپا، باهمی زیستن اسلام با پیروان ادیان دگر و وجه مشترک یکتا پرستی با عیسویت و موسویت و نقش براننده ۳،۳ ملیون مسلمان امریکا در ساحات مختلف و حتی اردوی امریکا و زندگی صلح آمیز شان (به استثنای چند حادثه انگشت شمار توسط مسلمان) با خدمات ارزنده در تشبثات آزاد و مؤسسات علمی می گنجانید.

او در بیانیه ای که به نام اسلام تبلیغ شد اصلاً به اسلام تماس نگرفت و شعارش مبارزه با افراط گرایی اسلام بود و مبارزه به آن با ملاحظات سیاسی و آزاده نساختن سعودی و هم پیمانش چشم پوشی از واقعیت نقش مستقیم سعودی و هم پیمانش پاکستان در دهشت افگنی پرورش و تقویه آن سخنی نراند چون خریطه پول را از زیر چشم نگاه می کرد.

بیانیه تاریخی و ماندگار بارک اوباما در جامعه الاظهر قاهره در ۴ جون ۲۰۰۹ (سراغاز نوین) پل بستن میان عالم اسلام امریکا و غرب بود و او چگونه از ارزش های صلح خواهی و زیست باهمی اسلام یاد نموده ریختن خون بیگناه را به ذکر آیتی از قرآن منافی ارزش های بنیادی اسلام خواند و اعتماد متزلزل مسلمانان را در برابر امریکا تغییر داده تقویت نمود و بالای موضوع فلسطین و اسرائیل تا چه حد عالمانه تبصره نمود. بی گمان می توان آنرا در جمله بیانات متبازلز، عالی و مهم تاریخی محسوب نمود که با صداقت و احساس واقعی ایراد گردید.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ پر ماجرا ترین و پر هیجان ترین مبارزات بوده کمپ ترمپ توانست ماهرانه بر مصائب، آلام و ورشکستگی های مردم امریکا انگشت بماند که عوامل آن در بحران بزرگ اقتصادی امریکا بعد از سال ۲۰۰۱ مضمربوده در اثر فرار سرمایه به ممالک مزد پائین، سقوط بازار سرمایه و بانک داری، سقوط و مسدود شدن صنایع خفیفه و ثقیله بومی امریکا چون نساجی و امتعه استهلاکی، صنعت فولاد و خانه سازی و مسدود شدن معادن ذغال سنگ، و اگر تدابیر تضمینی و رهایی بخش ریاست جمهوری اوباما نمی بود صنعت مهم، بزرگ و کثیر الابعاد موتر سازی هم در سرایشی سقوط قرار داشت. این عوامل که تا حد زیاد با ماجراجویی های نظامی، انتقام جویی در افغانستان و سیاست دموکرات سازی شرق میانه گره خورده بود ملیون ها امریکایی را بیکار، بی خانه و به افلاس کشاند. دانولد ترمپ و جمعیت مبارزین انتخابی اش چون چوب شکن ماهر و مجرب درز چوب پیدا نمود و به آن تبر زد. و چون روان شناسی که علائم و عوارض مریض را دقیق و صحیح تشریح کند و بگوید که به ضعف کلی مبتلا بوده، خواب نداری، اشتهایت سقوط کرده و مفاصلت درد دارد و زود زود بر افروخته و عصبانی می شوی، مریض می گوید که عجیب تشخیص درست ولی از علاج خبری نبوده و عده علاج به آینده موکول می گردد.

تفاوت کلی مبارزه ترمپ با یک مبارزه مدنی، بر بنیاد دموکراسی امریکا و افکار و اندیشه های پدران مؤسس و اسناد نوشته شده بکلی آشکار بود ولی او نا رضایتی های مردم را استنثار نمود و آن را در جهات غلط و غیر مدنی

مسیر بخشید او درد پای را از شقیقه کشیده نفرت، بد بینی، تعصب و تفوق پرستی و تبعیض را ترویج و مرد مکسیکو و مسلمانان را در کل هدف قرار داد.

هیچ عقل سلیم و هیچ اهل خبره، تحصیل کرده و دانای امریکا باور نمی کرد که این طرز تفکر و این نحوه برخورد با امور داخلی و روابط بین المللی در دموکراسی و تمدن امریکا امکان برد داشته باشد.

ولی در پس پرده های ضخیم حيله و تزویر بنا بر روابط مخفی اسرار آمیز و وابستگی های نهانی دست قوی از بیرون به مدد ترمپ دراز شد و رموزی پدیدار گشت و با بکار بستن انواع نیرنگ های استخباراتی تکنولوژی عصری در انتخابات امریکا نفوذ نموده حریف ترمپ را از پا در آوردند و موفقیت هم پیمان متعهد و دهن پرآب خود را تضمین کردند.

با گذشت هر روز نگراره رسوایی و اففضاح روابط ترمپ و یارانش با ولادمیر پوتین و مداخلات روس در انتخابات سال ۲۰۱۶ به صدا در آمده و موضوع جداً مورد تحقیق مقامات ذیصلاح قرار دارد.

دانولد ترمپ بحیث رئیس جمهور با واقعیت ها روبرو شد که ریاست جمهوری و حکومت داری با قمار خانه داری، نمایشنامه تلویزیونی و یا کار ساختمانی فرق فاحش دارد، تعقل، بصیرت، خرد سیاسی و آداب دیپلوماسی می خواهد، لذا از آن چه ناسنجیده در مبارزات انتخاباتی خام پورته کرده بود در ایفای آن عاجز آمد. دیوار افسانوی اش در طول مرز مکسیکو تخصیصیه نیافت، درب امریکا را به روی همه مسلمانان بسته نتوانست، در تعویض طرح فراهم آوری خدمات صحی او با ما با شرائط و مشخصات برارنده آن با طرحی که وعده سپرده بود که فراهم آوری بیمه صحی همگانی بود موفق نیامد. اصلاحات مالیاتی اش جز پر کردن کیسه ثروتمندان و تنقیص تخصیصیه کمک های عام المنفعه برای مستمندان هدف دیگر ندارد، انکار نمودن از واقعیت علمی تغییرات اقلیمی، آلوده شدن هوا و بلند رفتن درجه حرارت بحر و بر و ذوب شدن یخچال های بزرگ طبیعی در اثر عدم توجه در معیار های نظارتی در انکشاف و توسعه صنایع و صعود گاز کاربن دای اکساید در فضا. (امروز، اول جون ۲۰۱۷ رسماً از توافقنامه جهانی تغییرات اقلیمی پاریس پا بیرون کشید)

ترمپ اسلام را دین جنگ و ستیز و دشمن صلح و امنیت جهان خواند و گفت مسلمانان دشمن تمدن و فرهنگ و دین امریکا اند و حق آمدن به امریکا ندارند و مسلمانان مقیم امریکا ثبت یک ذخیره حافظوی ارقام Database دفتر امنیت ملی گردیده تحت نظارت و مراقبت منظم قرار داشته و در میعاد های معینه به دفاتر مخصوص حاضری بدهند. «مایکل فلن» مشاور امنیت ملی ترمپ (که خداوند او را با رسوایی معزول ساخت) قدم بزرگی فراتر مانده گفت «پشت تروریزم اسلامی چه می گردی که اصلاً خود اسلام یک غده سرطانی خبیثه است» اما مجال جراحی نیافت.

ترمپ در مبارزات انتخاباتی اش بالای چین سخت بر آشفته بوده دندان قرچک می نمود و چین را یک شریک تجارتي متقلب خوانده و از تدابیر حمایوی و تعذیرات علیه چین سخن می راند. ولی از رئیس جمهور چین و خانمش با نهایت گرمی استقبال نموده چنان آغوش دوستی باز نمود و گله ها و قصه ها فراموش شد. دامادش کُشنر با استفاده از موقع و این مناسبات حسنه برای تشبثات شخصی اش با چین قرار داد ها بست و سند تابعیت امریکا را به حراج ماند و دختر ترمپ برای سودای امتعه با علامت تجارتي اش بازار یافت.

مقامات عدلی، خبرگان، دانشمندان و سیاست مداران جامعه مدنی، رسانه های جمعی داخل و خارج امریکا این طرز دید و سیاست ترمپ را در برابر مسلمانان شدیداً مورد انتقاد قرار داده و بعضی قضات و محاکم از اجرای آن سرباز

زدند در برابر سیاست Islam Ban ترمپ مظاهرات بزرگی در سرتاسر امریکا به راه افتاد و معاون لوی څارنوال امریکا آن را خلاف قانون اساسی امریکا خوانده از تطبیق آن ابا و ورزید.

ترمپ در طول مبارزات انتخاباتی اش و در مناظرات با رقبا از عربستان سعودی بالای سیاست زن ستیزی و دیکتاتوری اش و پرداخت نکردن مصارف قوای نظامی امریکا که از مملکت شان محافظت می کند بار ها انتقاد نمود.

حالا دارلسلطنه سعودی در برابر چنین شخصی با چنین طرز تفکر و دشمنی علنی با دینی که آن ها خود را حامیان و ممثلین عظمت و وقار آن می شمارند سر به قدمش فرو می آورد و از او استقبال شایان می نماید. و با او قراردادی می بندد به مبلغ ۳۵۰ بلیون دالر برای وسایل و تجهیزاتی که اصلاً ضرورت نداشته و در وقت لازم توان استفاده آن را ندارد، همچنان در صورتی که قوای زمینی، بحری و هوایی امریکا در عربستان مستقر بوده و مسؤولیت مصونیت آن را دارد چرا عربستان چنین مبلغی را صرف خریداری ساز و برگ نظامی نماید؟

با مبلغ ۳۵۰ بلیون دالر ۵۰ مملکت نادار مسلمان آباد می شد و مسلمانان «رهینگیا» ماینمار (برما) که مورد تجاوزات وحشیانه بودایی ها قرار داشته بر زنان شان تجاوز صورت گرفته مساجد شان به آتش کشیده شده قتل عام مردان صورت می گیرد سرپناه مصنوعی می یافتند.

خانواده بی نام و نشانی که توسط انگلیس ها بعد از کشف منابع نفتی در سعودی و سقوط امپراتوری ترکان عثمانی بحیث گماشتگان انگریز به مقام سلطنت رسانیده شدند و متولیان واقعی و ارثی مکه و مدینه، خانواده بنی هاشم به قوت انگلیس کنار برده شدند از همان آوان تا حال در بدو مرحله فرمانبردار دولت انگلیس و حالا از امریکا اند. چون ذخایر اسعاری عواید نفت در بانک های امریکا ذخیره می شود هر زمانی که حجم این ذخایر بالا می رود رئیس جمهور وقت سفری به سعودی نموده بعد از بغل کشی و رو بوسی یک قرار چند صد بلیون دالری فروش اسلحه با عربستان امضاء می گردد.

عربستان سعودی با نفوس ۱۷،۸ میلیون دارای یک نظام شاهی خاندانی مطلق العنان بوده که به صورت متناوب و ارثی به اولاده ملک عبدالعزیز بن سعود یا آل سعود تعلق می گیرد و در حدود ۲۰۰ شهزاده در صف منتظر نوبت اند. مجموع احفاد و ذریات عبدالعزیز به ۷۰۰۰ نفر می رسد. قرآن، شریعت اسلامی و سنت نبوی قانون اساسی این کشور را ساخته که توسط شورای علماء تعبیری و تفسیر می گردد. یک مجمع نام نهاد مشورتی مشتمل ۱۵۰ نفر شیخ های قبائل و نماینده خانواده های ثروتمند جزء نظام است که صلاحیت مشورتی ندارند. شورای علماء ملک یا پادشاه و ولیعهد اول و دوم را تعیین می نماید و باقی اداره کلیه امور مملکت توسط خاندان شاهی صورت می گیرد و تصامیم لازم اتخاذ می گردد. پادشاه از قانون اساسی و مشوره شورای علماء متابعت می کند. مقامات ارشد دولتی و وزارت خانه ها توسط شهزادگان اهل سعود اداره می شود ولی سیاست بزرگ نظامی، سیاسی، اقتصادی و روابط بین المللی توسط مقام سلطنت با توافق اعضای بزرگ سال خانواده طرح می گردد.

احزاب سیاسی وجود ندارد، خاندان خود را نمایندگان خدا در زمین پنداشته امکانات کمترین مخالفت میسر نیست و زندگی مردم توسط یک استخبارات قوی تحت نظارت است. در حلقه شهزادگان شیوخ خاندانی اختلاف نظر موجود بوده تمایلات دین گرایی افراطی تبارز نموده که باعث توسعه اعمال دهشت افگنی در هر گوشه و کنار دنیا گردیده.

به اساس اسناد مؤثق مؤسسات مخفی(یا علنی) سعودی و ممالک خلیج گروه های دهشت افکن را تمویل می کنند. عربستان سعودی پاکستان و طالبان را وسیله اهداف گسترش سنی گرایی و مبارزه علیه نفوذ شیعه گرایی ایران در افغانستان قرار داده کمک مالی می نماید. هر جنایت دهشت افگنی که در افغانستان بوقوع می پیوندد دست سعودی در خون بیگناهان این حوادث آغشته است.

تجربه و چشم دید شخصی:

دو سال قبل افتخار زیارت بیت الحرم شریف به نصییم شد. به مجرد فرود آمدن در میدان طیاره جده خود را در محیطی یافتم که اصلاً بدون هیچ نوع تعصب و بدبینی، در آن آثار از آداب معاشرت، تربیه و بر خورد انسانی نبود. هر زائری توقع داشت که در این مهد مقدس ترین مکان اسلامی، زادگاه پیامبر بزرگ اسلام که پیامش را با اخلاق عالی و برازنده ترین روش انسانی و حوصله مندی پخش نموده از شمع لرزان که هر آن محکوم تند باد جهالت بوده بیم خاموش شدنش می رفت با خصائل نبوی و رویه ممتاز انسانی به آفتاب درخشانی تبدیل کرد که شاید به پیروی از همان طریقت استقبال شود و با صفاه و صمیمیت اسلامی پذیرایی شود ولی هرگز نی، از افسران امنیتی تا مأمورین میدان هوایی که اهل سعودی اند به جز زشتی، خشونت بی تربیه گی چیزی نمی بینید. در صفی که بیش از هزار نفر برای تکمیل اجازه ایستاده اند نفر مؤظف با چلتار غرغه اش را بدون هیچ نوع تذکری ترک نموده کسی دیگری عوضش نمی آید و این مسلمانان خسته و مانده و ذله که بعد از پرواز های طولانی رسیده اند ناچار منتظر این جاهل می مانند که «سید» با پیاله قهوه باز گشته و با تانی و بطاعت کارش را ادامه می دهد و به بعضی بدون ارائه هیچ دلیلی هدایت می دهد که از صف جدا شده در گوشه منتظر بماند. کس دلیل کس نمی شنود و به مشکل کس اعتنا نمی کند.

من از یک افسر پولیس بعد از ادای سلام اسلامی به زبان انگلیسی طالب معلومات شدم، با خشونت مشتی به شانه ام حواله کرد و گفت عربی، عربی، عربی. مردم طبقات بلند و کارمندان سعودی مسلمان ممالک دیگر را پائین تر از خود دانسته و به نظر حقارت می نگرند.

وقتی در حریم کعبه مکرمه داخل می شوید متوجه کار های وسیع ساختمانی هتل های چند ستاره بلند منزل در قرب و جوار بیت الحرم شده و ساحه خود بیت الحرم با ماشین ها و وسائط ثقیله تخنیکی در حال توسعه است که بازار تجارت سعودی را رونق می بخشد.

اما اندک ترین توجه در بخش نظم و نسق و رهنمایی و معلومات صورت نگرفته و زایر حیران و سرگردان نمی داند چگونه و از کجا شروع کند. اصلاً نه غرفه های معلومات وجود دارد و نه اوراق چاپی به زبان های مختلف که حاجی را کمک کند البته رهنما های هر جمعیت حجاج را در ادای مناسک حج رهنمایی می کنند ولی مقامات سعودی با بلیون ها دالر عواید حج یک نظم و اداره عصری را برای معلومات، رهنمایی و اداره بدون خطرات جسمانی ایجاد نکرده احیاناً اگر مؤظفی وجود داشته باشد تنها لسان عربی را بلد است.

در وقت آذان گفتن و ادای نماز طبقه اناث توسط زن های فربه با حجاب سیاه چون رمه گوسفند از یک سو بسوی دیگر با خشونت کشانیده می شوند و محل خاصی برای زن ها توسط حائلی با علامه و نشانه تعیین شده که بدانند که در آن محل نماز گزارند وجود ندارد. به عین منوال با حجاج مرد چنین تپله و تمبه خشونت بار صورت می گیرد.

در مدینه منوره در عقب مسجد نبوی مرقد متبرک حضرت رسول اکرم است و جوقه های هزاران زاير از رهرو تنگ از مقابل مرقد عبور و دعا و ثنا می کنند این ازدحام به حدی است که همه بناير غلبه احساسات کنترول خود از دست داده چنان هیجانی می شوند که زمین و زمان نمی شناسند و هر لحظه خطر افتیدن و زیر پا شدن و مرگ است. در قدم اول این مراسم خلاف خواست و آرزوی حضرت محمد (ص) است که بر مرقدش علامه و نشانه نگذاشت که مبدا زیارتجا گردد. باز هم این وضع قابل مراقبت و اداره است که یک دروازه آهنین تخنیکي اتومات نصب گردد که هر بار اجازه عبور به ۵۰۰ نفر بدهد و با پوره شدن این تعداد چراغ سرخ روشن و با صدای بلند دروازه بسته شود تا که این ۵۰۰ نفر مراسم را انجام و از رهرو خارج شوند باز درب آهنین با چراغ سبز باز شده و برای ۵۰۰ دیگر موقع داده شود. در جوش این ازدحام مردی پسر خورد سالش را به شانه داشت و در اثر فشار موازنه را از دست داده به زمین غلتید و به لطف خداوند من طفلک خورد سال را از زمین بلند کردم و پسرم دست پدرش گرفت ورنه هر دو زیر پای هزاران نفر بی خود هلاک می شدند.

چون مسلمانان برای ادای فریضة اسلامی و زیارت مقامات مطهره می روند در برابر این نیت و اراده خود تمام نارسایی ها، خشونت ، نبود آداب معاشرت و تحقیر توهین را نا دیده گرفته ولی آل سعود تجارت نموده و کیسه خود پر می کنند.

از طوالت کلام معذورم دارید.

